



راه فطرت به کجا ختم می شود/ عاقبت بی توجهی به فطرت خدادادی

انسان اگر درصدد تقویت فطرت خدادادی خود برآید سعادت دو جهان خود را تضمین کرده است، البته انسان در عین حال انسان مختار است و می تواند دعوت خداوند را که او را به سوی سعادت ابدی هدایت می کند اجابت نموده یا پشت پا به فطرت ذاتی خود زده و نفس را اسیر شیطان نماید.

انسان اگر درصدد تقویت فطرت خدادادی خود برآید سعادت دو جهان خود را تضمین کرده است، البته انسان در عین حال انسان مختار است و می تواند دعوت خداوند را که او را به سوی سعادت ابدی هدایت می کند اجابت نموده یا پشت پا به فطرت ذاتی خود زده و نفس را اسیر شیطان نماید.

به گزارش خبرگزاری مهر، روان انسان در ابتدای تکوین و تعلقش به بدن صفاتی دارد که برای حکمت هایی یا برای صرف در موارد خاصی که به نفع انسان تمام می شود، ودیعه نهاده شده اند. مواردی مانند حرص، بخل، عجله، مجادله و مانند اینها از اول همراه انسان است و در قرآن مجید هم به آنها اشاره شده است. به طور کلی تمام دستورهایی که در شرع اسلام بیان شده برای جلوگیری انسان از سقوط و یا برای تکامل روحی و معنوی انسان است. دین الهی برای اصلاح روان ها و سلامتی دل هاست که با آن سعادت مادی و معنوی انسان تامین می شود و به خوشی و راحتی در هر دو عالم می رسد.

خداوند با فرستادن خاتم انبیا بر بشر منت نهاد تا آیات خدا را برای آنان بخواند و پاکیزه شان گرداند و آنان را تزکیه نماید. مراد از تزکیه، همان پاکي دل ها از انواع آلودگی های روانی است که در کتاب آسمانی ذکر می شود. پیامبر مبعوث شد تا مردم را با پاکي ها آشنا سازد و آنها را به دوری از پلیدی ها دعوت نماید، ایمان و دوستی خدا را در دل ها زنده سازد، امانت و صداقت و وفای به عهد به آنها بیاموزد که تمام اینها از صفات مومن است. دستورهای الهی برای اهل ایمان رهنما و شفافبخش است. قرآن شفاست، چون بیماری های روانی پیروان خود را درمان می کند. خداوند در قرآن می فرماید؛ روی خود را متوجه آیین پاک و خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفرید.

مقصود از آیین حنیف در آیه مذکور که آفرینش بر روی آن استوار شده همان آیین توحید و خداجویی است. این آیه با صراحت کامل هر نوع انحراف از جاده توحید را مخالف فطرت انسانی دانسته است. امام صادق(ع) آیه را چنین تفسیر می فرماید؛ آنان را بر فطرت توحیدی آفرید.

پاسکال می گوید؛ به وجود خداوند، دل گواهی می دهد نه عقل. ایمان از این راه به دست می آید حس دینی یکی از عناصر اولیه ثابت و طبیعی روح انسانی است.

قطعی است که در روح انسانی بعدی به نام حس مذهبی و حس خداجویی و خداخواهی هست. لذا اگر صاحب این فطرت خدادادی درصدد تقویت آن برآید سعادت دو جهان را تضمین نموده است، البته در عین حال انسان مختار است و می تواند دعوت خداوند را که او را به سوی سعادت ابدی هدایت می کند اجابت نموده یا پشت پا به فطرت ذاتی خود زده و نفس را اسیر شیطان نماید. انسان می تواند با تهذیب نفس و تصفیه باطن خود را برای دریافت افاضات الهی آماده سازد و شبانه روز ساعتی را برای توجه و تفکر در نفس برگزیند و در نفس و حالات و اعمال خود بیندیشد و صفات و احوالش را دقیقاً مورد بررسی قرار داده شاید مورد توجه و لطف خداوند قرار گیرد.

این حس خداخواهی در جان همه انسانها وجود دارد و همین مساله باعث دوام خدایپرستی در طول زندگی بشر بوده و هست. در دوران غارنشینی در عصر فلزات و در عصر حاضر که عصر اطلاعات است هیچگاه بشر بدون گرایش مذهبی نبوده است. وجود اماکن مذهبی در همه نقاط جهان با تمام گرایش های مختلف و حتی متضاد مذهبی و دینی نشان چنین میل و کششی است. با وجود این، بعضی از مردم بر اثر ناآگاهی راه های خلاف را برگزیدند و بر ضد دین و خدا مبارزه کردند و موفقیتی هم به دست نیاوردند.

روزی که کمونیسم بر شوروی سابق حاکم شد مساجد را به مراکز تفریح و تماشاخانه و تئاتر مبدل ساختند بر ضد خدا و مذهب نوشتند و نظام روحانی را کوبیدند، ولی باز مذهب، چون آتشی زیر خاکستر زبانه کشید مساجد مرمت و احیا شد و روزنامه های آن زمان

نوشتند؛ حدود دویست مسجد در تاجیکستان شوروی با بودجه دولت تعمیر شد، در صورتی که مدرسه نداشتند سوال شد چرا مدرسه نساختید؟ جواب شنیدند بودجه برای ساختن مسجد داریم، اما برای مدرسه نداریم. این حرکات با وجود تبلیغات شدید رژیم کمونیسم علیه مذهب تا فروپاشی ادامه داشت و شاهد بودیم که بعد از فروپاشی چگونه مردم به دین و مسجد روی آوردند. همه اینها نشانه فطری بودن دین است. این جاست که به حقانیت این آیه قرآنی پی می بریم؛ فطرت الله التي فطر الناس علیها.

بعضی از مفسران دین حنیف را چنین تفسیر می کنند؛ دینی که از تمام کجی ها و انحرافات و خرافات و گمراهی ها به سوی راستی و درستی متمایل شده است. دین حنیف و خالص خالی از هرگونه شرک دینی است که خداوند در سرشت همه انسانها آفریده است. هر چند بسیاری از مردم توجه به این واقعیت نداشته باشند. مفسران می گویند این آیه بیانگر چند حقیقت است که دین و آیین به طور کلی و در تمام ابعاد امری فطری است و آنچه در شرع وارد شد، حتما ریشه ای در فطرت انسان دارد. دین به صورت خالص و پاک از هرگونه آلودگی در درون جان آدمی وجود دارد و انحرافات اموری عارضی هستند. بنابراین وظیفه پیامبران این است که این امور عارضی را زایل کرده و انسان را به فطرت اصلی باز گردانند.